

شرق

روزنامه

پلان چهارم

سریالی برای مناسبت یا مناسبتی برای سریال



حجت قاسمزادهاصل فیلم‌نامه‌نویس و کارگردان

اینکه فیلم یا سریالی ساخته شود و برای اکران یا پخش آن از بازه‌های تقویمی استفاده شود تا مخاطب بیشتری جذب کند راهکاری عقلایی است اما اینکه سریالی ساخته شود که فقط در یک مناسبت خاص امکان پخش آن وجود داشته باشد صورتی غریب از ماجرایی است که چندین‌سال است گرفتارش شده‌ایم و سال‌به‌سال منحنی سقوط این ایده بیشتر می‌شود.

به گمانم ساخت سریال مناسبتی برای ماه رمضان، ایده‌ای وارداتی از کشورهای عربی بود که ستنی در ساخت و پخش سریال مناسب ماه مبارک رمضان داشتند و دارند و هیچ‌گاه هم اثری بزرگ و درخشان را شامل نشده‌اند. ساخت سریال به مناسبت ماه رمضان تقلیدی از کنداکتور تعدادی از کشورهای عربی بود و نوعی رقابت منطقه‌ای که تلویزیون ما را هم وارد رقابتی بیهوده و گشودن سرفصلی جدید در سریال‌سازی کرد. شاید در ماه مبارک رمضان، بیننده روزهدار ایرانی، برنامه‌های مذهبی یا ترکیبی سرگرم‌کننده، بیشتر به دردش می‌خورد تا مثلاً سریالی ماورایی!

در سال‌های گذشته، هیچ زمانی این سریال‌های مناسبتی سر وقت و به تعداد درست ساخته و پخش نشدند، هیچ‌گاه تصمیم گرفته نشد که بالاخره سریال طنز باشد بهتر است یا سریالی جدی یا حتی سریالی ماورایی، هیچ‌گاه بر سر تعداد قسمت‌ها توافقی حاصل نشد که مثلاً ۳۰ شب کامل پخش شود یا در شب‌های قدر و ایام عزاداری حضرت امیر(ع) وقفه‌ای بیفتد و مینی‌سریالی مناسب‌تر پخش شود یا در طراحی فیلم‌نامه و ساخت، برای این چند شب جزن‌انگیزتر نوشته و ساخته شود!

به نظر اکنون کم‌کم می‌توان در کلیت این رخداد تشکیک کرد و پذیرفت که این ایده وارداتی ایده‌ای شکست‌خورده است. سریال مناسبتی شوخی بدی بود که با زمان و روان تماشاگران شد و سال‌به‌سال از تعداد بیننده‌ها کمتر شد و موضوعات به سمت بی‌ربط‌شدن یا لوث‌شدن حرکت کردند.

اصلاً منظورم این نیست که سریال‌های سال‌های قدیم بهتر بودند (که نبودند) بلکه منظورم این است که اضافه‌کردن قید زمان (ماه رمضان) و رعایت الزامات این بازه زمانی (شادنبودن قسمت‌هایی که در شب‌های قدر می‌بایست پخش می‌شدند) و تعداد قطعی قسمت‌ها (حداکثر ۳۰ قسمت) قیدوندهایی تازه بودند که سریال‌ها (و سریال‌سازی را) از مسیر طبیعی تولید خارج کردند.

در عمل، مدیران سیما مجبور شدند به حداقل‌ها بسنده کنند یا با الزام رعایت شرایطی خاص، ماهیت دراماتیک سریال‌ها را مخدوش کردند. سریال مناسبتی، ایده و روشی شکست‌خورده است که ماهیت سریال‌ها را زیر سؤال برد و به کالاهایی یک‌بامصرف تبدیلشان کرد. نظیر اتفاقی که برای تله‌فیلم‌ها رخ داد؛ با پوشش‌دادن روزنه‌روز تمام مناسبت‌های تقویمی، عملاً شاهد افول فیلم به فیلم تله‌فیلم‌ها و ظرفیت پخش فقط یک‌بار را پیدا کردند و در محاق فراموشی رسانه مدفون شدند.

این اتفاق عیناً برای سریال‌های مناسبتی هم رخ داده و در عمل شاهد ضعیف‌ترین کار کارگردانان و بازیگران و عوامل در این مناسبت‌ها هستیم. افرادی که در سریال‌های دیگر توانمندنی خود را ثابت کرده بودند و مخاطبان منتظر آثارشان بودند در پخوبه کشاکش ماراتن سریال‌های ماه‌رمضانی، ضعیف‌ترین، بی‌ربط‌ترین و پررخت‌ترین کار کارنامه خود را به نمایش گذاشتند. ای‌کاش یک‌بار و برای همیشه مدیریت ارشد صداوسیما اقدام کند و این چرخه معیوب و بهره‌زیه را تعطیل کند و هدف سیما را ساخت سریال‌هایی با محتوای انسانی، مذهبی، ایرانی، اجتماعی و... قرار دهد و نه مناسبت‌های تقویمی!

یک سریال فقط وقتی باید ساخته شود که حرفی تازه برای گفتن وجود داشته باشد و در بهترین زمان تقدیمی هم پخش شود نه‌اینکه فراغت مخاطب شکستند به‌طورکلی تلویزیون را از سکه انداخت. در داخل، تولید و عرضه سریال‌های جذاب در شبکه نمایش خانگی (مثلاً قهوه تلخ و شهرزاد) و از خارج، هجوم سریال‌های خوش‌آب‌ورنگ ولی مبتذل و بی‌کیفیت «جمی» عملاً تلویزیون را به تنگنای جذب مخاطب بردند. واقعا مخاطبی که می‌تواند سری کامل»بازی تاج و تخت» یا «خانداده مدرن» را با مبلغ ناچیزی تهیه کند، چرا باید «دوردرست‌ها» یا «معمای شاه» را نگاه کند؟

۴-می‌گویند مردردی در نیمه‌های شب در خانه راه می‌رفت و سیگار می‌کشید و کلافه بود. همسرش پرسید چه شده؟ مرد گفت: ۲۰۰هزار تومن از همسایه روبه‌روی دستی گرفته‌ام و قول داده‌ام تا فردا طلبش را بپردازم ولی ندارم. مانده‌ام چه کنم؟

همسرش گفت: زنگ بزن بگو فردا نمی‌توانم طلبت را بدهم. خودت راحت بگیر بخواب. بگذار او تا صبح راه برود و سیگار بکشد. دوستانی که قرار است بودجه صداوسیما را بدهند، لطف کنند و یک تلفن به جناب علی‌عسکری بزنند تا ما هم تکلیف خودمان را بدانیم!
برایمان دعا کنید...
.

پلان سوم

باکس طلایی رنگ‌پریده

خشیایار الوند: سریال‌ها ساخته می‌شوند تا دیده شوند و چه فرصتی بهتر از ماه مبارک رمضان که به قول معروف همه جمع‌اند. برخلاف عید نوروز که همه پخش‌اند و در مسافرت و دیدوبازدید و گشت‌وگذار، در ماه رمضان و پس از یک روز طولانی و سخت، همه خانواده می‌توانند پای جعبه جادو بنشینند و از دیدن یک سریال خوب لذت ببرند. این باکس که تقریباً به اندازه یک فصل معمولی از یک سریال (۲۴ قسمت) به طول می‌انجامد، ماه رمضان را به باکس طلایی تلویزیون تبدیل کرده است. اما این باکس طلایی در سال‌های اخیر به دالیلی رنگ و جلایش را از دست داده است.

۱- در چندسال اخیر تغییر مدیریت‌ها (که در کشور ما معمولاً به اختراع دوباره چرخ می‌انجامد!) فرصت برنامه‌ریزی کلان را از مدیران تصمیم‌ساز سازمان سلب کرده است. روزمرگی حاکم بر سازمان صداوسیما به اینجا می‌انجامد که سریال پادری (دودکش‌۲) که در ۱۵ قسمت و برای عید نوروز ساخته شده بود، با اضافه‌کردن چند قسمت به باکس رمضان کوچانده می‌شود و سریال (علی‌البدل) که حقیر نویسنده آن هستم به ماه رمضان نمی‌رسد!

۲- به نظر در سال‌های طلایی سریال‌های رمضانی، مدیران و برنامه‌سازان به فرمولی دست یافته بودند که جواب می‌داد؛ یک سریال کم‌دی و مفرح درست بعد از افطار (متمم گریخت یا خانه‌به‌دوش)، یک ملودرام خانوادگی با چاشنی عشق و انتقام و البته مناسبتین اخلاقی و عرفانی مناسب این ماه (میوه ممنوعه یا در مسیر زاینده‌رود) و در آخر یک سریال ماورایی که می‌توانست جای خالی ژانر وحشت و دلهره را در سید انتخاب مخاطب پر کند (اغاف و او یک فرشته بود).

اما سیر تحولات اجتماعی و سیاسی، کم‌دی‌سازان درجه یک را از تلویزیون دور کرد. ملودرام‌های جذاب به دلیل موجی که ایجاد کردند، دچار احتیاط و ممیزی‌های بی‌دلیل شدند و کبرایی‌شان را از دست دادند و سریال‌های ماورایی به دلیل مخالفت‌های نهادهایی که این عرصه را محل احتیاط می‌دانستند و ورود به آن را صلاح نمی‌دیدند اصولاً از دستور کار خارج شدند.

۳- ظهور رقبای قدرتمند که انحصار تلویزیون را در پرکردن اوقات فراغت مخاطب شکستند به‌طورکلی تلویزیون را از سکه انداخت. در داخل، تولید و عرضه سریال‌های جذاب در شبکه نمایش خانگی (مثلاً قهوه تلخ و شهرزاد) و از خارج، هجوم سریال‌های خوش‌آب‌ورنگ ولی مبتذل و بی‌کیفیت «جمی» عملاً تلویزیون را به تنگنای جذب مخاطب بردند. واقعا مخاطبی که می‌تواند سری کامل»بازی تاج و تخت» یا «خانداده مدرن» را با مبلغ ناچیزی تهیه کند، چرا باید «دوردرست‌ها» یا «معمای شاه» را نگاه کند؟

۴-می‌گویند مردردی در نیمه‌های شب در خانه راه می‌رفت و سیگار می‌کشید و کلافه بود. همسرش پرسید چه شده؟ مرد گفت: ۲۰۰هزار تومن از همسایه روبه‌روی دستی گرفته‌ام و قول داده‌ام تا فردا طلبش را بپردازم ولی ندارم. مانده‌ام چه کنم؟

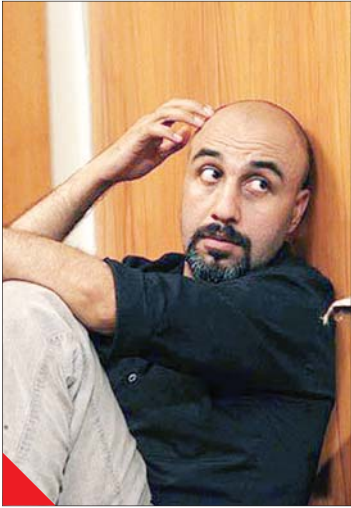
همسرش گفت: زنگ بزن بگو فردا نمی‌توانم طلبت را بدهم. خودت راحت بگیر بخواب. بگذار او تا صبح راه برود و سیگار بکشد. دوستانی که قرار است بودجه صداوسیما را بدهند، لطف کنند و یک تلفن به جناب علی‌عسکری بزنند تا ما هم تکلیف خودمان را بدانیم!
برایمان دعا کنید...
.



سریال «فیوه معموله».



سریال «خاتمه».



سریال «موزیک».

پلان دوم

شبیه رادیو شده‌ایم

شوند. بشخصه برای من پیش آمده است در کارهایی حضور داشته‌ام که نیاز بوده سریال در زمان بسیار کوتاهی به پخش برسد و گاهی شب‌ها خواب نداشتم که چطور باید دIALOGها را حفظ کنم؟ دلیل دیگری که می‌توان برای افت آثار مناسبتی یا مجموعه‌های تلویزیونی در سال‌های اخیر برشمرد، نبود بودجه کافی برای ساخت اثر بوده است و نمی‌دانم کمک دولت به تلویزیون برای تأمین هزینه‌هایش چگونه خواهد بود. اما شرایط تلویزیون به لحاظ اقتصادی اصلاً خوب نیست و متأسفانه در این شرایط تهیه‌کنندگان به آوردن اسپانسر متوسل می‌شوند که گاهی همین اسپانسرها نیمه‌های کار را هرا کرده و می‌روند و همه‌چیز به مشکل می‌خورد. در میان شبکه‌هایی که هرروز به تعدادشان اضافه می‌شود، رقابت اصل اساسی است، مردم حق انتخاب دارند، باید کاری انجام داد که مخاطب را حفظ کرد. چرا ما نباید مجموعه‌های خوب و باکیفیت بسازیم؟ به‌زعم من در صورتی می‌توان از تولید و پخش آثار مناسبتی نه‌جبهه مطلوب گرفت که به محض پایان این ماه به فکر ماه رمضان آینده بود، زمان کافی در اختیار نویسنده گذاشت تا متن را آماده کند، تعلیق‌ها و گرهِهایی که تماشاگر را به‌اصطلاح پای سریال می‌شاند رعایت شود و از مدت‌ها قبل با عوامل و بازیگران سریال در مورد چگونگی حضورشان صحبت شود تا همه‌چیز در یک زمان ایده‌آل و در شرایط مناسب پیش برود. سینما و تلویزیون تنها در جای حرف‌زدن نیست، بلکه تصویر مهم است. متأسفانه با سریال‌هایی که در مدت‌زمان کم ساخته می‌شوند و کیفیت در آنها لحاظ نمی‌شود، ما بیشتر به رادیو شبیه شده‌ایم و تنها فقط حرف می‌زнім که زمان مردم پر شود.



محمود پاک‌دینت

مجموعه‌های مناسبتی، مثل سایر تولیدات تلویزیون که در سال راهی آتنن می‌شوند، شرایط خاص خودشان را دارند. تولید و ساخت هر اثری در تلویزیون نیازمند رعایت برخی از نکات است که اساساً منجر به کیفیت بهتر اثر می‌شود. زمان مناسب و فیلم‌نامه استاندارد از جمله نکات اولیه موفقیت یک مجموعه است؛ خواه این مجموعه در مناسبتی خاص از تلویزیون پخش شود و خواه زمان دیگری برای پخش در نظر گرفته شود. بدترین نوع کارکردن در تلویزیون زمانی است که نه کیفیت در نظر گرفته می‌شود و نه کمیت. در شرایطی که یک گروه باید با عجله کاری را برای پخش آماده کنند و هم‌زمان فیلم‌نامه در حال نگارش است و گاه حتی پیش‌آمده که نویسنده خواب هم ندارد! آیا در این شرایط می‌توان انتظار یک کار خوب را داشت؟ این شرایط در نبود زمان کافی برای باقی اعضای گروه نیز صدق می‌کند؛ اینکه گروه تولید زمان کافی برای فراهم‌کردن شرایط کار ندارد و بازیگر دقیقاً متوجه موقعیتش در سریال نیست باعث می‌شود که بازیگر در چنین کارهایی تنها دیالوگ‌هایی حفظ می‌کند و تمام طی سال‌های گذشته چند نمونه از آثار مناسبتی خوب در فیلم‌نامه کامل و دقیقی داشتند و از مدت‌ها قبل کارگردان حتی دکویازهایش را انجام داده است و گروه سر فرصت توانسته‌اند شرایط تولید را فراهم کنند هم ساخته شده است و توانسته‌اند در ذهن مردم ماندگار

پلان اول

آفت‌های نگاه مناسبتی



منوچهر اکبرلو

سال‌هاست ساخت برنامه‌های مناسبتی برای ایام ویژه، مثلاً ماه رمضان یا ایام عید دچار افت‌هایی شده است. به نحوی که توانسته کیفیت لازم و درنتیجه، استقبال مناسب را به همراه بیاورد. مشکل اول به این برمی‌گردد که اساساً نگاه مناسبتی به موضوعات سبب می‌شود به آن موضوعات فقط در ایام خاصی پرداخته شود؛ آن هم با حجم زیاد که طبیعتاً زدگی ایجاد می‌کند. درحال‌حاضر نگاه مناسبتی سبب می‌شود حتی حرف‌های تخصصی‌ای مانند اخبار یا برنامه‌های تفریحی هم مجبور به مطرح‌کردن مناسبت‌ها شوند. درنتیجه ماهیت و هدف اصلی خود را از دست می‌دهند و مخاطب که با هدف مشخصی راه این برنامه را رفته بود، از آن دور می‌شود. مشکل دوم به تولید بازمی‌گردد. با وجود ثابت‌بودن زمان این مناسبت‌ها، همواره تولید حتی در مورد سریال‌ها در چند هفته مانده به زمان پخش انجام می‌شود و گاه حتی تولید و پخش هم‌زمان می‌شود. طبیعی است این ستاناب‌زدگی هنگام تولید کیفیت ناطلوبي ایجاد می‌کند. مسئله سوم این است که مدیران رسانه ملی به دلیل کمبود نگاه کارشناسانه و داشتن روحیه محافظه‌کارانه، تمایلی به استفاده از قصه‌ها، شخصیت‌ها و سوزّه‌های جدید ندارند. درنتیجه سریال‌ها، سوزّه‌ها و حتی نتیجه نهایی

چگونه می‌توان از تلویزیون گریخت



فراهم باشد، هستیم؛ حضوری که منجر به عدم خلاصی از تلویزیون حتی در زمان‌های مرده می‌شود. به‌طور خلاصه می‌شود گفت در جهان امروز ممکن است که بدون تئاتر، سینما و کتاب زندگی کرد، اما حیات روزمره حداقل در شهرهای بزرگ بدون تلویزیون ناممکن است.

چرا نمی‌توان از تلویزیون جدا شد؟

تلویزیون به‌مثابه یک ماشین، متکی بر حواس بینایی و شنوایی (احتمالاً به‌زودی لامسه و بویایی) است. به‌واسطه درگیرکردن حس بینایی مخاطب را وادار به سکون می‌کند. برای استفاده از تلویزیون باید تمرکز و ایستایی داشت. این در حالی است که رسانه‌های دیگر امکان آزادی بیشتری به مخاطب می‌دهند. مثلاً هنگام خواندن روزنامه می‌شود موسیقی گوش داد یا وقت شنیدن رادیو را ندنگی کرد، حتی در هنگام کار با کامپیوتر و وب‌گردی می‌توان از مדיاهای دیگر استفاده کرد. تلویزیون فضای اطراف مخاطب را می‌بلعد و او را وامی‌دارد که جذب ماشین شود. از آنجا که تلویزیون همه حواس فرد را به خود مشغول می‌کند، امکان تخیل از او سلب شده و به‌جای تخیل‌کردن مجموعه‌ای از تصاویر را عرضه می‌کند که مخاطب حقی در انتخاب آنها ندارد. تصویر دست‌های کنترل‌به‌دست و چشم‌های خیره به تلویزیون آنچنان تصاویر عادی و روزمره‌ای هستند که حتی دیگر

فرازوفرود سریال‌های مناسبتی در سیما

شیوه ترک‌کردن تلویزیون

بهناز شیربائی: حدود سال‌های ۸۱-۸۲ بود که تب ساخت سریال‌های مناسبتی تند شد و بسیاری از کارگردان‌های تلویزیون از ساخت سریال‌هایشان برای پخش در مناسبت‌های خاص خبر می‌دادند. به‌مرور این سنت جایش را در تلویزیون باز کرد، مردم هم این رسم را پذیرفتند؛ به‌ویژه سال‌هایی که رقابت بین شبکه‌ها و سریال‌ها و البته کیفیت آنها باعث شد مردم اقبال بیشتری به این‌گونه سریال‌ها نشان بدهند. حسن فتیحی، سبیروس مقدم و رضا عطاران، ازجمله چهره‌هایی هستند که با سریال‌هایشان توانستند نظر عموم مخاطبان تلویزیون را جلب کنند، اما مسیر ساخت سریال‌های مناسبتی در سال‌های اخیر کمی تغییر کرد. جای سریال‌های طنز در این‌گونه آثار به‌مرور محدودتر شد یا دست‌کم از تعداد سریال‌هایی که با تیکر به موقعیت‌های طنز و با کیفیت مخاطبانش را راضی نگه می‌داشت، کمتر شد. رضا عطاران، از جمله کارگردان‌هایی است که پیش از ترک تلویزیون، سریال‌هایش هواخواهان زیادی داشت. افت کیفی فیلم‌نامه‌ها در سال‌های اخیر، ضربه بزرگی به سریال‌های مناسبتی زده است. هرچند افت کیفی را نمی‌توان تنها منوط به سریال‌های مناسبتی دانست، اما آسیب سریال‌های مناسبتی به دلیل نبود برنامه‌ریزی مشخص و به نوعی عجله‌کردن مدیران، به عنوان تولیدکنندگان آثار، مشهودتر از قبل شده است. سال‌هاست این گله‌مندی از سوی کارگردان‌ها و بازیگران و سایر عواملی که در ساخت آثار مناسبتی مشارکت دارند، شنیده می‌شود که چرا برنامه‌ریزی ساخت این‌گونه آثار زودتر انجام نمی‌شود؟ شاید بخشی از جواب این پرسش به نبود بودجه کافی در صداوسیما مرتبط باشد. با تمام ضعفی که رسانه ملی به لحاظ اقتصادی با آن روبه‌روست، اما باز هم سریال‌های مناسبتی ساخته می‌شود و دست‌کم بودجه‌ای صرف ساخت آن می‌شود؛ حال اینکه حاصل کار راضی‌کننده نیست. در مطالب پیش‌رو به چرایی ساخت آثار مناسبتی و دلایل افت کیفی آنها پرداخته شده است.

سال‌هاست ساخت برنامه‌های مناسبتی برای ایام ویژه، مثلاً ماه رمضان یا ایام عید دچار افت‌هایی شده است. به نحوی که نتوانسته کیفیت لازم و درنتیجه، استقبال مناسب را به همراه بیاورد. مشکل اول به این برمی‌گردد که اساساً نگاه مناسبتی به موضوعات سبب می‌شود به آن موضوعات فقط در ایام خاصی پرداخته شود؛ آن هم با حجم زیاد که طبیعتاً زدگی ایجاد می‌کند. درحال‌حاضر نگاه مناسبتی سبب می‌شود حتی حرف‌های تخصصی‌ای مانند اخبار یا برنامه‌های تفریحی هم مجبور به مطرح‌کردن مناسبت‌ها شوند. درنتیجه ماهیت و هدف اصلی خود را از دست می‌دهند و مخاطب که با هدف مشخصی راه این برنامه را رفته بود، از آن دور می‌شود. مشکل دوم به تولید بازمی‌گردد. با وجود ثابت‌بودن زمان این مناسبت‌ها، همواره تولید حتی در مورد سریال‌ها در چند هفته مانده به زمان پخش انجام می‌شود و گاه حتی تولید و پخش هم‌زمان می‌شود. طبیعی است این ستاناب‌زدگی هنگام تولید کیفیت ناطلوبي ایجاد می‌کند. مسئله سوم این است که مدیران رسانه ملی به دلیل کمبود نگاه کارشناسانه و داشتن روحیه محافظه‌کارانه، تمایلی به استفاده از قصه‌ها، شخصیت‌ها و سوزّه‌های جدید ندارند. درنتیجه سریال‌ها، سوزّه‌ها و حتی نتیجه نهایی